

فهم اولویتهای راهبردی تحول نظام آموزش و پرورش از دیدگاه امام خامنه‌ای

حسن دانایی فرد *

مصباح الهدی باقری کنی **

علی خانی ***

دریافت مقاله: ۹۲/۸/۳۰

پذیرش نهایی: ۹۴/۱/۱۷

چکیده

هدف این پژوهش یافتن اولویتهای راهبردی تحول در نظام آموزش و پرورش از دیدگاه امام خامنه‌ای است. منابع انسانی تحول آفرین، فرهنگ اسلامی تعلیم و تربیت، محتوا و روش تربیتی، متولیان، مؤثران تحول آفرین و برنامه‌ریزی راهبردی فحوای کلیدی برای خطمشی‌های نظام تعلیم و تربیت حاصل از واکاوی دیدگاه‌های رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران است. نقشه تحول در آموزش و پرورش بر اساس یافته‌های پژوهش بخش انتهایی مقاله را شکل می‌دهد. کلید واژه‌ها: امام خامنه‌ای، نظام آموزش و پرورش، تحول، اولویتهای راهبردی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

hdanaee@modares.ac.ir

* استاد دانشگاه تربیت مدرس

mesbab@yahoo.com

** استادیار دانشگاه امام صادق علیه السلام

*** نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری بازرگانی مرکز تحصیلات تکمیلی پیام نور

a.khani1391@gmail.com

مقدمه

از گذشته بحث تربیت و آموزش در جوامع مختلف از اهمیت خاصی برخوردار بوده است؛ به طور مثال در دوران هخامنشیان فرزندان پارسها از سن ۵ تا ۲۰ سالگی تحت آموزش و تعلیم قرار می‌گرفتند و در کنار خواندن و نوشتن سه چیز فرا می‌گرفتند: اسب سواری، تیر اندازی و راستگویی (فقیهی و دانایی فرد، ۱۳۸۴: ۱۵۹). این مسئله، که وظیفه تربیت و آموزش مردم به عهده حکومت است، هم در ادبیات دینی ما مسلمانان بیان شده است که می‌توان به آیات مکرر قرآن کریم در این رابطه اشاره کرد که در زمینه وظیفه انبیای الهی می‌فرماید: «یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه» (آل عمران/ ۱۶۴) و هم می‌توان به کلمات نورانی امیرالمؤمنین علیه‌السلام اشاره کرد که وظیفه تربیت امت را بر عهده حاکم می‌دانند (نهج البلاغه، خطبه ۳۴). اندیشمندان غربی آموزش و پرورش را قلب پیشرفت بشری می‌دانند (سیسکو، ۲۰۱۱: ۲).

بیان مسئله

برای تبیین خط مشی‌های تربیت و آموزش باید توجه کرد که هر خط مشی در دکتترین خاص خود ریشه دارد و هر دکتترین در فلسفه مخصوص به آن مکتب ریشه دارد (شفریتر و بوریکن، ۲۰۰۸: ۱۳۸) در نتیجه دو مسئله را در پرداختن به مسائل تربیت و آموزش باید مد نظر قرار داد: اولاً اینکه پاسخها اسلامی شد؛ یعنی بر فلسفه اسلامی مبتنی باشد؛ چرا که ما مردمی مسلمان هستیم که معتقدیم دین کامل و تمامی داریم (مائده/ ۳) و با دین اسلام می‌توان به تمامی سؤالات زندگی پاسخ گفت. ثانیاً پاسخهایی که ارائه می‌شود با مقتضیات زمان و مکان متناسب باشد؛ چرا که آنچه همراه مکان و زمان نباشد و یا نتواند زمان و مکان را با خود همراه سازد، محکوم به نابودی است (مطهری، ۱۳۸۸: ۴۵۷).

از سوی دیگر در عصر حاضر، امام خامنه‌ای به عنوان ولی امر مسلمین در رأس حکومت اسلامی قرار دارد و در واقع ایشان تبیین کننده فلسفه اسلامی و تعمیم دهنده آن در کلیات زندگی هر فرد مسلمان هستند. هم‌چنین بر اساس اصل یکصد و دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعیین سیاستهای کلی نظام جمهوری اسلامی ایران جزء وظایف و اختیارات رهبری است؛ به علاوه ایشان بخوبی نیازهای زمان را می‌شناسند و در تبیین دین به مسائل مقتضیات زمان نیز توجه دارند؛

بنابراین بهترین راهنما در مباحث کلی نظام، که آموزش و پرورش نیز جزء آن است رهنمودهای معظم له است.

مسئله مهم در زمینه سیاستگذاری کلی نظام جمهوری اسلامی ایران تأکید مقام معظم رهبری بر حوزه تربیت و آموزش است که ایشان در دیدار وزیر، معاونان و مدیران آموزش و پرورش سراسر کشور در تاریخ ۱۳۸۶/۵/۳ فرمودند: «اولاً جزو مطالبی که برای شما و برای بنده و برای هر کسی که به مسئله آموزش و پرورش علاقه‌مند است، واضح است - در عین حال باید تکرار بشود - این است که آموزش و پرورش مهمترین کار یک کشور است.»

از سوی دیگر یکی از مهمترین مسائلی که امروزه در آموزش و پرورش کشورمان در حال پیگیری و اجرا است، مبحث تحول است که سند مربوط به آن نیز تحت عنوان «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» از سال ۱۳۹۱ ملاک عملکرد آموزش و پرورش قرار گرفته است و مقام معظم رهبری در مورد این سند فرمودند: «بحث بر سر تحول بنیادین است؛ تحول شکلی که نیست» (بیانات در تاریخ ۱۳۹۱/۲/۱۳).

در سالهای اخیر با توجه به تأکید مقام معظم رهبری بر لزوم تحول در آموزش و پرورش متولیان آموزش و پرورش عمومی شروع به برنامه‌ریزی برای این کار کرده‌اند که در نهایت به تدوین سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش منجر شد. در سال ۱۳۹۰ این سند نهایی شده و به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید و در همان سال لازم الاجرا گردید. این سند با توجه به تأکید مقام معظم رهبری بر تحول، تدوین شد و از سوی دیگر، بیانات معظم له را به عنوان یکی از اسناد بالادستی خود می‌داند؛ در نتیجه این سند باید بر بیانات ایشان مبتنی باشد. اما مسئله مهم در این میان این است که موارد اشاره شده در دیدگاه ایشان دارای تقدم و تأخرهای رتبی و زمانی است و تمامی موارد اولویت یکسان ندارد و این مسئله بسیار مهم و اساسی است که کدام مورد از بیانات ایشان دارای اولویت بیشتری است؛ چرا که در مورد آموزش و پرورش حضرت آیت الله خامنه‌ای مسائل فراوانی را بیان فرموده‌اند که اولویت‌بندی این مسائل و تقدم و تأخر آنها در نوع اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش می‌تواند بسیار تأثیرگذار و حتی تعیین کننده باشد. البته در زمینه تحول نظام آموزش و پرورش کتابی با عنوان «مبانی تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش (مبنتی بر دیدگاه حضرت امام خمینی (ره))، مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله العالی و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت در ایران» به سفارش وزارت آموزش و پرورش تدوین

شده که به کلیات مسئله تحول پرداخته که مسئله اولویت برای نویسندگان مطرح نبوده است. سؤال اصلی در این پژوهش این است که: مهمترین محورهای تحول نظام آموزش و پرورش در بیانات امام خامنه‌ای چیست؟

قلمرو این پژوهش تمام بیانات امام خامنه‌ای از آغاز دوره رهبری ایشان تا پایان مرداد ماه سال ۱۳۹۱، است.

پیشینه موضوع

آموزش و پرورش یا تعلیم و تربیت دارای مفهوم و کاربرد گسترده و پیچیده و در نتیجه مبهمی است. در تعریف این مفهوم، نه تنها میان مردم عادی، بلکه میان صاحبان نظران تعلیم و تربیت هم اختلاف نظر هست. درباره مفهوم «آموزش و پرورش» باید در نظر داشت که «آموزش و پرورش» به افراد، زمان، مکان، یا عمل خاصی منحصر نیست؛ یعنی به طور مشخص «آموزش و پرورش» به مدرسه، کودکان و یا آموزش دروس خاصی منحصر نیست، بلکه «آموزش و پرورش» برای همه و در هر زمانی (ز گهواره تا گور) و هر مکانی است (علاقه بند، ۱۳۷۴: ۷).

تاکنون تعریف واحد یا جامع و مانعی از «آموزش و پرورش» به دست نیامده است. اهل نظر، هر یک بر پایه تفکرات و تجربیات خود، تعریفی از آن ارائه کرده‌اند که برخی از آنها به این شرح است:

- شهید مطهری (ره): ایشان در توضیحاتشان آموزش و تربیت را از یکدیگر جدا، و در بحث آموزش دو جنبه اصلی مطرح کرده‌اند که عبارت است از: تعلیم دادن که همان ارائه علم توسط استاد، کتاب و ... به دانش آموز است و دوم آموزش تعقل کردن و داشتن قوه ابتکار که از نظر ایشان دارای اهمیت فراوانی است. ایشان تربیت را نیز چنین تعریف کرده‌اند: تربیت، پرورش دادن یعنی استعدادها و درونی‌ای را که بالقوه در هر چیز موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن است. (مطهری، ۱۳۷۳).

- علی علاقه‌بند: آموزش و پرورش به معنی اعم با جامعه‌پذیری و به معنی اخص فراگردی مترادف است که با آن افراد در وضعیت‌های اجتماعی سازمان یافته در معرض آموزش منظم دانشها مهارتها، رفتارها و گرایشهای معین قرار می‌گیرند (علاقه‌بند، ۱۳۷۴: ۱۲).

- امیر حسین آریان‌پور: آموزش و پرورش، «فرایند هدایت و جهت‌دهی عمده‌ی تجربه‌های انسانی است.»

- افلاطون: منظور من از آموزش و پرورش آموزشی است که [از طریق اکتساب] عادات مناسب بر نخستین غرایز فضیلتی کودک عرضه، و شادی و الم به شیوه‌ای صحیح در نفوس نامتعقل بذرافشانی می‌شود. آموزش ویژه شادی و الم که به دوست داشتن یا تنفر داشتن نسبت به آنچه را باید دوست داشت یا از آن متنفر بود، می‌انجامد، «آموزش و پرورش» خوانده می‌شود (شفیلد، ۱۳۷۵: ۴۸).

- میلتون: آموزش و پرورش کامل و سودمند این است که انسان را برای عمل عادلانه و ماهرانه و شرافتمندانه در همه جا، اعم از ادارات دولتی و خصوصی و در همه وقت [اعم از زمان صلح و جنگ] شایسته می‌سازد (شفیلد، ۱۳۷۵: ۴۹).

- دوکاسه: از لحاظ علم اشتقاق، تعلیم دادن به معنای هدایت کردن یا پرورش دادن است (شفیلد، ۱۳۷۵: ۵۰).

- هورن: آموزش و پرورش جریان دائمی انطباق عالی رشد جسمانی و ذهنی انسان آزاد و آگاه با خداوند به گونه‌ای است که در محیط عقلی و عاطفی و اداری او متجلی شود (شفیلد، ۱۳۷۵: ۵۱).

- لانگ فورد: آموزش و پرورش فعالیت است که بر خلاف فعالیت‌هایی که هدف آنها به دست آوردن نتایج نظری است، هدف آن رسیدن به نتایج عملی است (شفیلد، ۱۳۷۵: ۵۱).

در واقع در تعریف کلی، آموزش و پرورش به دنبال این است که فرد و جامعه را به سمت کمالی حرکت دهد که برایش تعریف شده است. البته تعاریف مختلف به دنبال بیان همین مسئله با استفاده از مفاهیم مختلف بوده، و حوزه‌های مختلفی را بیان کرده است که باید در راستای این کمال تغییر کند. در نتیجه چند نکته در مورد آموزش و پرورش قابل بیان است: اولاً آموزش و پرورش هدفدار (جهتدار) است. ثانیاً آموزش و پرورش پیشفرض‌هایی دارد، ثالثاً آموزش و پرورش به دنبال ایجاد تغییر است و رابعاً اینکه ماده آموزش و پرورش انسان است.

فرایند آموزش و پرورش از پیدایش انسان روی زمین آغاز شده است. هیچ جامعه انسانی وجود ندارد که اهمیت و مرکزیت آموزش را رد کند. در جوامع بدوی، آموزش رسمی به شکل امروزی آن وجود نداشت و در واقع در تمامی فعالیت‌های روزمره افراد بالغ نقش معلمان رابه عهده داشتند و

همه جا کلاس درس بود. پیشینه تعلیم و تربیت آدمی نشان می‌دهد که در اوایل تاریخ بشری به علت ناچیز بودن مجموعه میراث اجتماعی و ساده بودن ارتباطات انسانی، آموزش و پرورش به وسیله خانواده‌ها و بیشتر به صورت غیر عمدی انجام شده است.

انباشتگی دانش در طول زمان باعث شد که یک نفر بالغ نتواند بر تمامی آن مسلط شود. راه حلی که جامعه برای این مشکل پیدا کرد، آموزش به نوع رسمی بود (نوید، ۱۳۷۴: ۱). در دوران مدرن، شاهد شکوفایی فلسفه آموزش و نظریات تعلیمی هستیم و هر معلم با توجه به وضع دانش آموزان کلاسش از شیوه‌های مختلف آموزشی استفاده می‌کند.

تحول در نظام آموزش و پرورش

نخستین سالهای قرن بیستم از دید پاره‌ای از اندیشمندان و آموزشگران اجتماعی، آغاز دوره تاریخی جدیدی بود که به درک تازه‌ای از کارکرد آموزش و پرورش نیاز داشت؛ برای مثال سیدنی وب در سال ۱۹۰۱ نوشت: «در بیست سی سال گذشته ما مردم تازه‌ای شده‌ایم». گفته او در سراسر جهان غرب و در کشورهای نوظهور آسیا طنین افکند (کانل، ۱۳۶۸: ۳۹).

مفهوم شناسی تحول

تعاریف مختلفی برای تحول بیان شده است. در فرهنگ لغات آکسفورد برای کلمه transformation، که معادل انگلیسی تحول است، توضیحی به این شرح بیان شده است: تحول اسمی است با این معانی: تغییر مشخصی در شکل، طبیعت یا ظاهر که دگردیسی در طول چرخه زندگی هر حیوان را هم با کلمه تحول نشان می‌دهند. در فیزیک تغییر خود به خودی یا ناشی از تأثیر هر عنصر بر عنصر دیگر را توسط فرایند هسته‌ای گویند. در ریاضیات و منطق فرایندی را که توسط آن یک شکل، بیان، و یا تابع به شکل دیگری با ارزش مشابه تبدیل می‌شود، گویند. در زبان‌شناسی فرایندی را گویند که توسط آن هر عنصر در زمینه ساختار منطقی عمیق یک جمله تبدیل به عنصری در ساختار سطحی جمله می‌شود و تعاریف دیگری که در زیست‌شناسی و... هست.

همان‌گونه که در تعریف تحول از فرهنگ لغات آکسفورد مشخص است، تحول سه ویژگی

بخصوص دارد: اول اینکه بنیادین است و ابعاد مختلف را در بر می‌گیرد؛ دوم مشهود است؛ به یکباره صورت می‌پذیرد و دارای تأثیرات و بروز و ظهور شدید خارجی است و سوم اینکه شکل قبلی را نفی می‌کند. در تحول شکل قبلی تقریباً به شکل کامل منحل می‌شود و شکل جدیدی ظهور می‌کند.

با این تعریف از تحول، این کلمه شبیه انقلاب در بحثهای اجتماعی است. استاد شهید مرتضی مطهری (۱۳۸۵: ۵۹) انقلاب را این چنین تعریف می‌کنند:

«انقلاب، طغیان و عصیان است که مردمی علیه نظم حاکم موجود برای ایجاد وضع و نظمی مطلوب انجام می‌دهند؛ یعنی انقلاب از مقوله عصیان و طغیان است علیه وضع حاکم برای وضع دیگر».

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در انقلاب نیز مفاهیمی نظیر بنیادین بودن، که علیه نظم حاکم صورت می‌پذیرد و نه علیه قسمتی از وضع موجود یعنی با کل نظام حاکم مشکل دارد، مشهود بودن، دارای بروز و ظهور خارجی بودن و نفی وضع موجود برای رسیدن به وضعی مطلوب وجود دارد که باعث می‌شود این دو مفهوم بسیار به یکدیگر شبیه و نزدیک باشد. در کتابهای مدیریتی، تحول، که عمدتاً در آنها تحول مدنظر قرار گرفته، معادل کلمه Development است که در بحث مدیریت تحول به کار رفته است.

از سوی دیگر در کتاب «مبانی تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش»، که به سفارش دبیرخانه عالی آموزش و پرورش توسط خنیفر و همکاران نگارش شده است در واژه‌کاوی تحول معادل انگلیسی آن را واژه Change ذکر کرده‌اند و مدیریت تحول را تحت عنوان Change Management ذکر کرده‌اند (خنیفر، ۱۳۸۹: ۳۵) ولی این تعاریف در این کتاب تا حد زیادی همان تعاریف کتاب فرنچ است و در واقع اگر چه کلمه Change را، که معنای صحیحش در ادبیات عمومی و ادبیات تخصصی مدیریت تغییر است به جای تحول به کار برده‌اند در تعاریف کلمه Development را تعریف کرده‌اند (همان: ۴۰).

همان‌گونه که مشخص است تعاریف تحول سازمانی و تعاریف آقای خنیفر بیشتر در بحثهای اجتماعی شبیه اصطلاح تغییر است و نه انقلاب و با توجه به سخنان مقام معظم رهبری ما در آموزش و پرورش به انقلاب نیاز داریم و نه تغییر آرام و بی سر و صدا و در واقع نیاز ما نفی گذشته تقلیدی و کهنه آموزش و پرورش است نه اصلاح و بهبود همان وضعیت.

در ادامه به بحث تحول در نظامهای تعلیم و تربیت مختلف در جهان پرداخته می‌شود تا از این طریق، تجربه دیگر کشورها تا حدی مورد بررسی قرار بگیرد و مشخص شود که در دیگر دیدگاه‌ها بر چه عناصری تأکید می‌شود و توجه آنها به چیست.

تحول در دیگر نظامهای تعلیم و تربیت

بسیاری از کشورها از اوایل قرن ۲۰ به فکر تحول در نظام آموزشی خود افتادند. هر کشور با توجه به اقتضانات خود تحول را در ابعاد مختلف آن دنبال کرد. اندیشمندان مختلف ابعاد متفاوتی برای تحول برشمرده‌اند که در این قسمت به برخی از آنها اشاره می‌شود:

دفتر فناوری وزارت آموزش و پرورش آمریکا برای تحول ابعاد ذیل را در نظر گرفته است:
 ۱- شفافیت خروجیها ۲- باز طراحی ساختارها و فرایندها ۳- اندازه‌گیری مداوم عملکرد^۴ ۴- ارزیابی گام به گام (وزارت آموزش و پرورش آمریکا، دفتر فناوری آموزشی: ۹)^۲.

وزارت آموزش عالی مالزی^۳ برای برنامه سال ۲۰۲۰ الگوی خاص بومی خود را ارائه کرده است تحت عنوان برنامه عمل آموزش دبیرستانی ملی ۲۰۰۷ - ۲۰۱۰. این نقشه، که نقطه کانونی توجهش توسعه سرمایه انسانی است در تدوین چارچوب تحول به پنج پایه نهادی^۵ رسیده که عبارت است از: حکمرانی، رهبری، محافل علمی^۶، تدریس و یادگیری و تحقیق و توسعه. هم‌چنین پنج دستور کار مهم بیان کرده‌اند که عبارت است از: دانشگاه‌های تراز اول^۷، ذهن من^۸، یادگیری مادام‌العمری، حسابرسی عملکرد محافل علمی و طرح تربیت دانش‌آموخته (برنامه عمل آموزش دبیرستانی ملی ۲۰۰۷ - ۲۰۱۰، ۲۰۰۷: ۳)^۹

دفتر تحول آموزش و پرورش، تحول آموزش و پرورش را شامل چهار بخش می‌داند که عبارت است از: ۱- ساختن رهبران آموزشی ۲- اطمینان از کیفیت خوب و تدریس اثربخش ۳- به

-
- 1 - Continually monitor and measure our performance
 - 2 - U.S. Department of Education, Office of Educational Technology
 - 3 - Ministry Of Higher Education
 - 4 - National Higher Education Action Plan 2007 - 2010
 - 5 - Institutional Pillars
 - 6 - Academia
 - 7 - Apex Universities
 - 8 - My Brain
 - 9 - National Higher Education Action Plan 2007-2010

کارگیری اطلاعات اولیه برای تصمیم‌گیری درباره آموزش، دخالت و غنی‌سازی ۴- رشد رهبران فردا^۱ (دفتر تحول آموزش و پرورش، ۲۰۱۲: ۱).

شرکت سیسکو چهار بعد اصلی برای تحول نظام تعلیم و تربیت در نظر گرفته که عبارت است از: ۱- برنامه آموزشی، تربیت و ارزشیابی ۲- زیرساخت و فناوری فیزیکی ۳- حکمرانی، نوآوری و مشارکت ۴- رهبری (آموزشی)، مردم و فرهنگ (سیسکو، ۲۰۱۱: ۴).

نظام آموزش و پرورش جمهوری چک نیز الگوی تحولی خاص خود را ارائه کرده که ده بعد برای تحول نظام آموزشی برمی‌شمرد و عبارت است از:

۱- اهداف و کار ویژه‌های آموزش و پرورش

۲- مدیریت و اداره آموزش و پرورش

۳- چگونگی تأمین مالی نظام مدرسه

۴- تغییرات در ساختار نظام آموزش و پرورش

۵- خط مشی‌گذاری و تدوین برنامه درسی

۶- ارزشیابی و پایش آموزش و پرورش

۷- استقلال مدرسه^۴

۸- تدریس حرفه و نیروی انسانی آموزش و پرورش^۵

۹- ساختارهای حمایتی^۶

۱۰- بعد اجتماعی^۷ (گرگر، دیوید و والتروا، ۲۰۰۷).^۸

سرانجام شرکت اینتل، که ادعا دارد تاکنون به اجرای بیش از ۲۰۰ برنامه آموزشی در ۷۰ کشور کمک کرده، و بیش از یک میلیارد دلار در دهه اخیر برای بهبود تدریس و محیط‌های یادگیری سرمایه‌گذاری کرده است در زمینه تحول در آموزش و پرورش پنج بعد را برشمرده که عبارت است از: خط‌مشی، برنامه درسی و اندازه‌گیری، توسعه حرفه‌ای، فناوری اطلاعات ارتباطات

1 - Develops Tomorrow's Leaders

2 - Education Transformation Office

3 - The Cisco Connected Insight Series

4 - School Autonomy

5 - The Teaching Profession and Educational Staff

6 - Support Structures

7 - Social Dimension

8 - Greger, David & Waltrova

و تحقیق و ارزشیابی (آموزش اینتل، ۲۰۱۰: ۲).^۱

همان گونه که از مقایسه ابعاد مختلف بیان شده نیز مشخص است، هر گروه و فردی از دید خود ابعادی را برای تحول بیان کرده است که کمتر مشابهتی به یکدیگر دارد. یک نتیجه اولیه از این مقایسه این است که تحول نظام آموزش و پرورش هر کشور و یا حتی هر گروهی باید با توجه به مقتضیات خاص آن کشور یا گروه شکل بگیرد. جدول شماره ۱ عناصر تحول نظام آموزش و پرورش را از دیدگاه‌های مختلف نشان می‌دهد.



1 - Intel Education, 2010,p2

جدول شماره ۱: عناصر تحول نظام آموزش و پرورش از دیدگاه‌های مختلف

ردیف	امریکا	مالزی	دفتر تحول آموزش و پرورش	سیسکو	جمهوری چک	شرکت اینتل
۱	شفافیت خروجیها	حکمرانی	ساختن رهبران آموزشی	برنامه آموزشی، تربیت و ارزشیابی	اهداف و کارویژه‌های آموزش و پرورش	خط مشی
۲	بازطراحی ساختارها و فرایندها	رهبری	اطمینان از کیفیت خوب و تدریس اثربخش	زیرساخت و فناوری فیزیکی	مدیریت و اداره آموزش و پرورش	برنامه درسی و اندازه‌گیری
۳	اندازه‌گیری مداوم عملکرد	محافل علمی	به کارگیری اطلاعات اولیه برای تصمیم‌گیری درباره چگونگی آموزش، مداخله‌ها و غنی‌سازی	حکمرانی، نوآوری و مشارکت	چگونگی تأمین مالی نظام مدرسه	توسعه حرفه‌ای
۴	ارزشیابی گام به گام	تدریس و یادگیری	رشد رهبران فردا	رهبری (آموزشی) مردم و فرهنگ	تغییرات در ساختار نظام آموزش و پرورش	فناوری اطلاعات ارتباطات
۵		تحقیق و توسعه			خط مشی‌گذاری و تدوین برنامه درسی	تحقیق و ارزشیابی
۶		دانشگاه‌های تراز اول			ارزشیابی و پایش آموزش و پرورش	
۷		ذهن من ۱۵			استقلال مدرسه	
۸		یادگیری مادام العمری			تدریس حرفه و نیروی انسانی آموزش و پرورش	
۹		حسابرسی عملکرد محافل علمی			ساختارهای حمایتی	
۱۰		طرح تربیت دانش‌آموخته			بعد اجتماعی	

آموزش و پرورش در ایران

به موجب اطلاعات موجود، تاریخ مکتوب ایران از قرن هشتم قبل از میلاد آغاز می‌شود و از آن زمان تا نیمه قرن هفتم میلادی، که ایران در قلمرو اسلام قرار می‌گیرد، سلسله حکومت‌های ماد (۵۶۰-۷۰۵ ق.م)، هخامنشیان (۳۳۲-۵۵۹ ق.م)، سلوکیان (۲۵۰-۳۲۳ ق.م)، اشکانیان (۲۲۶ م-۲۵۰ ق.م) و ساسانیان (۶۵۲-۲۲۴ م) نزدیک به چهارده قرن در این سرزمین فرمانروایی کردند (صفوی، ۱۳۸۳: ۲۱).

فرهنگ و تمدن ایرانی در دوره ساسانی به شرق و غرب گسترش یافت؛ اما هنوز هم آموزش به گروهی خاص محدود می‌شد. در این دوران مهمترین مرکز علمی و آموزشی دوران باستان، دانشگاه گندی‌شاپور در شهر گندی‌شاپور به وجود آمد (صفوی، ۱۳۸۳: ۲۹).

با بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و سپس گسترش اسلام در سرزمینهای فتح شده و در پی پذیرش اجتماعی و سیاسی نظام خلافت، اندک اندک اعتقادات دینی نیز در دل تسلیم شدگان (مسلمین) تأثیرات فراوان باقی گذارد و آنان را در زمره ایمان آورندگان (مؤمنان) درآورد. یکی از مسائل قابل بررسی در آن عصر تاریخی، برخورد فرهنگها و تمدنهای گوناگون با یکدیگر بوده است که آموزش و پرورش یکی از بنیادینترین عناصر آن به شمار می‌آید (تکمیل همایون، ۱۳۸۵: ۲۳).

در ابتدای ورود اسلام به ایران دو نوع آموزش و پرورش همزمان در ایران وجود داشته است: یکی ویژه کسانی که در دین زردشت باقی مانده بودند. این عده زبان پهلوی و اصول دیانت خود را از طریق اوستا و زند می‌آموختند و نوع دوم به مسلمانان اختصاص داشت که با آموزش عربی همراه بود (صفوی، ۱۳۸۳: ۳۲). در تمام طول حکومت اسلام بر نقاط گسترده‌ای از جهان بهترین سازمانهای تعلیم و تربیت در تمدن اسلامی عبارت بود از: خانواده، مسجد، مکتب و مدرسه.

آموزش در ایران معاصر

دولتمردان قاجاری پس از شکستهای ایران از روسیه در زمان فتحعلیشاه قاجار ابتدا به فکر اعزام دانشجو به خارج از کشور افتادند و پس از چند سال مدرسه دارالفنون را تأسیس کردند. دارالفنون در پنجم ربیع الاول ۱۲۶۸ ه. ق (۱۲۳۱ هجری شمسی) از سوی ناصرالدین شاه گشایش یافت.

شعبه‌های تحصیلی این مدرسه عبارت بود از پیاده نظام، سواره نظام، توپخانه، مهندسی، پزشکی و جراحی، داروسازی و کان‌شناسی. در تاریخ طولانی مملکت این نخستین بار بود که دولت مستقیماً به تأسیس آموزشگاه اقدام می‌کرد و تمام هزینه‌های نگاهداری و اداره آن را بر عهده گرفته بود؛ به همین دلیل است که سال ۱۲۶۸ ه.ق را مبدأ تحول و دوره جدید در فرهنگ باید شمرد. دارالفنون با معلمان اروپایی آن در جهت شناساندن تمدن اروپا و فرهنگ جدید مغرب زمین عامل بسیار مؤثری بود (ناجی، ۱۳۸۷: ۶۶ تا ۶۸).

آموزش و پرورش کنونی ایران

طبق اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). نظام آموزشی ایران تا پیش از اجرای سند بنیادین تحول آموزش و پرورش، دارای دوره ابتدایی (پنج سال)، دوره راهنمایی (سه سال)، دوره متوسطه (سه سال) و دوره پیش‌دانشگاهی بود ولی با توجه به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، که از سال تحصیلی ۹۱-۹۲ اجرای آن شروع شده، دوره آموزشی به ۴ دوره سه ساله تبدیل شده است. از سوی دیگر علاقه‌مندان به کارهای عملی و فنی مهارت‌های لازم را در هنرستانها و آموزشگاه‌های کار و دانش می‌گذرانند. مدرسه‌ها، امروزه در ایران با انتقال فراوان مفاهیم، فرصت‌اندیشیدن را از شاگردان گرفته‌اند. به بیان استاد شهید مطهری (ره): ما دو مسئله داریم، یکی مسئله پرورش عقل و دیگر مسئله علم. مسئله علم همان آموزش دادن است. تعلیم عبارت است از یاد دادن. از نظر تعلیم، متعلم فقط فراگیرنده است و مغز او به منزله انباری است که یک سلسله معلومات در آن ریخته می‌شود. ولی در آموزش، کافی نیست که هدف این باشد. امروزه این نوع برخورد با متعلم به مثابه یک حافظه خالی که باید پر از اطلاعات سودمند متنوع شود بشدت رد شده است. هدف معلم باید بالاتر باشد و آن این است که نیروی فکری متعلم را پرورش و استقلال بدهد و قوه ابتکار او را زنده کند (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۷).

البته علت اصلی این مشکل، تقلیدی بودن و کهنگی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی

ایران است که به جای تفکر محوری، حافظه محور است. اگر چه استفاده از حافظه نه تنها مذموم نیست، بلکه لازم است، اینکه حافظه محور قرار گیرد، مطلوب نیست (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۲/۱۲)

از سوی دیگر نیاز است برای شناخت بهتر نظام آموزش و پرورش رسمی کشور و صحبت از تحول آن ابتدا تغییر و تحولات نظام آموزش رسمی کشور به شرح ذیل مرور می‌شود:

۱ - سال ۱۲۳۵: چهار سال پس از تأسیس دارل‌فنون اولین بار وزارتخانه‌ای با نام وزارت علوم پدید آمد که مأموریت اصلی آن نظام دادن به امور آموزش و پرورش کشور به سبک جدید بود (صفوی، ۱۳۸۳: ۵۴).

۲ - سال ۱۲۸۶: در این سال مجلس شورای ملی قانون اداری «وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه» را تصویب کرد و رسیدگی به کار تمام مدارس و تعلیمات مملکت به این وزارتخانه سپرده شد (صفوی، ۱۳۸۳: ۵۴).

۳ - سال ۱۳۱۷: پس از اینکه فرهنگستان ایران واژه «فرهنگ» را به جای کلمه «معارف» معرفی کرد، نام وزارت معارف به وزارت فرهنگ تغییر یافت و برنامه‌ریزی و نظارت بر آموزش و پرورش دوره‌های ابتدایی، متوسطه و عالی و امور فرهنگی کشور به این وزارتخانه واگذار شد (صفوی، ۱۳۸۳: ۵۴ و ۵۵).

۴ - سال ۱۳۴۳: وزارت فرهنگ به دو وزارتخانه «وزارت آموزش و پرورش» و «وزارت فرهنگ و هنر و سازمان اوقاف» تبدیل شد و امور آموزش و پرورش عمومی و عالی به وزارت آموزش و پرورش واگذار شد (صفوی، ۱۳۸۳: ۵۵).

۵ - سال ۱۳۴۶: وزارتخانه علوم و آموزش عالی به وجود آمد و کار آموزش عالی کشور به این وزارت واگذار شد و تمام کارهای مربوط به دوره‌های تحصیلی مربوط به دوره‌های تحصیلی آموزش عمومی و پیش‌دانشگاهی به عهده وزارت آموزش و پرورش گذاشته شد (صفوی، ۱۳۸۳: ۵۵).

۶ - سال ۱۳۵۸: وزارت فرهنگ و هنر با ادغام در وزارت علوم و آموزش عالی به وزارت فرهنگ و آموزش عالی تغییر یافت و کار آموزش و پرورش عمومی همچنان بر عهده وزارت آموزش و پرورش ماند و در سالهای بعد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل شد، و امور فرهنگی را عهده‌دار شد.

۷- سال ۱۳۶۶: دانشگاه پیام نور، که آموزش آن به صورت غیرحضوری، خودخوان و از راه دور است به منظور گسترش آموزش عالی در اقصی نقاط کشور و تحصیلات بومی و فراهم آوردن امکان ادامه تحصیل برای داوطلبان شاغل یا خانه دار تأسیس شد.

۸- سال ۱۳۷۵: وظایف مربوط به آموزش نیروی انسانی در حوزه پزشکی و پیراپزشکی از وزارت فرهنگ و آموزش عالی جدا، و به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی واگذار شد.

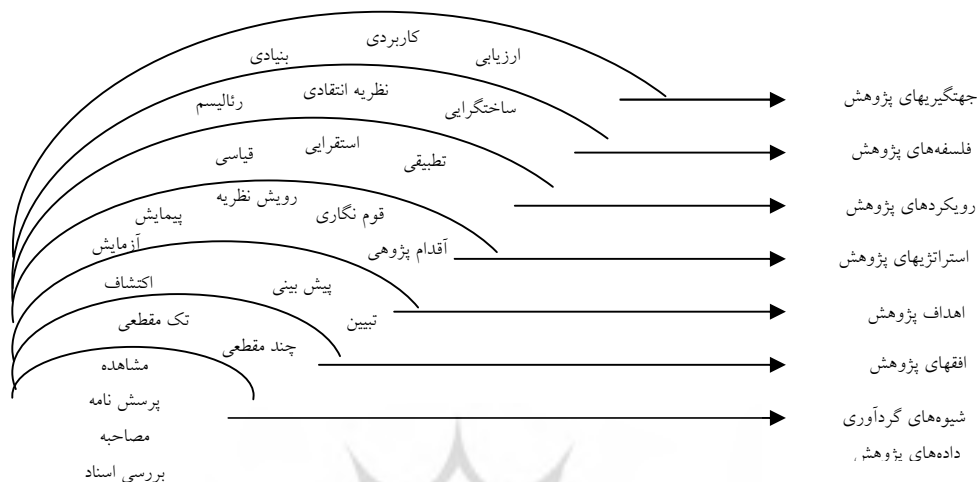
۹- سال ۱۳۷۹: وزارت فرهنگ و آموزش عالی به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تغییر نام داد و وظایف برنامه ریزی، ارزیابی و نظارت، بررسی و تدوین سیاستها و اولویتهای راهبردی در حوزه‌های تحقیقات و فناوری به وظایف این وزارتخانه افزوده شد.^۱

۱۰- سال ۱۳۹۱: اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و تغییر نظام آموزشی کشور از سامانه ۳-۳-۳-۳ به سامانه ۱-۳-۳-۵.

روش پژوهش

تحقیق فرایندی است که از طریق آن می‌توان درباره «ناشناخته» به جستجو پرداخت و نسبت به آن شناخت لازم را کسب کرد. در این فرایند از چگونگی گردآوری شواهد و تبدیل آنها به یافته‌ها، تحت عنوان روش‌شناسی یاد می‌شود (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۵: ۲۲)؛ به این ترتیب روش پژوهش، قواعد و دستورالعملهایی برای رسیدن به واقعیت و دور ماندن از خطاست (رضازاده و اسدالهی، ۱۳۹۰: ۱۰). انتخاب روش تحقیق اغلب اختیاری نیست؛ ماهیت موضوع تحقیق، سؤالات و اهداف آن و درجات آزادی در مداخله و کنترل عوامل مؤثر بر پدیده، موضوعات مهمی است که پارادایم، استراتژی و روش تحقیق مناسب را مشخص و تعیین می‌کند. با توجه به مسئله پیش روی این پژوهش در ادامه ابعاد مختلف آن به لحاظ روش شناختی بر اساس پیاز پژوهش توضیح داده می‌شود.

1 - <http://www.yjc.ir/fa/news/2602776>



شکل ۱: پیاز فرایند پژوهش (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۳: پیشگفتار)

با توجه به نوع کاری که در این پژوهش صورت گرفته است این پژوهش از سویی جهتگیری بنیادی دارد؛ چرا که به دنبال استخراج اولویتهای راهبردی تحول از بیانات مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای است و از سوی دیگر جهتگیری کاربردی؛ زیرا هم اکنون طرح تحول در آموزش و پرورش در حال اجرا است و نتایج این پژوهش می‌تواند به صورت کاربردی در اجرای تحول کنونی در آموزش و پرورش به کار گرفته شود. هم‌چنین پژوهشی کیفی است که در زمره پژوهشهای تفسیری قرار می‌گیرد و با توجه به اینکه از جزء به کل رسیده‌ایم، رویکرد این پژوهش استقرایی است.

این پژوهش به لحاظ استراتژی از استراتژی تحلیل مضمون استفاده می‌کند و با توجه به اینکه در این پژوهش به دنبال کشف اولویتهای راهبردی تحول در نظام آموزش و پرورش از دیدگاه امام خامنه‌ای هستیم، هدف این پژوهش اکتشافی است که به صورت تک مقطعی انجام می‌پذیرد و در نهایت شیوه گردآوری داده‌ها بررسی اسناد است. در ادامه به اجمال استراتژی پژوهش توضیح داده می‌شود که تحلیل مضمون است:

تحلیل مضمون^۱

یکی از فنون تحلیلی مناسب در پژوهش‌های کیفی، تحلیل مضمون است که به طور گسترده‌ای از آن استفاده می‌شود؛ اما کمتر معرفی شده است. از تحلیل مضمون می‌توان بخوبی برای شناخت الگوهای داده‌های کیفی استفاده کرد. تحلیل قالب مضامین و تحلیل شبکه مضامین نیز از ابزارهایی است که معمولاً در تحلیل مضمون به کار می‌رود. قالب مضامین، فهرستی از مضامین را به صورت سلسله مراتبی نشان می‌دهد. شبکه مضامین نیز ارتباط میان مضامین را در نگاره‌هایی شبیه تارنما نشان می‌دهد (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۱).

تحلیل مضمون نه تنها یک روش تحلیل مستقل است، بلکه دیگر روش‌های تحلیل داده‌ها نیز مانند تحلیل روایتی، نشانه‌شناختی، مکالمه، موقعیتی، زمینه‌ای و غیره مبتنی بر آن است؛ به این معنا که بیشتر روش‌های تحلیل داده‌ها ناگزیر از فرایندهای تحلیل مضمون از قبیل مفهوم‌یابی، مقوله‌بندی، سازماندهی و الگوسازی موضوعی استفاده می‌کنند (محمدپور، ۱۳۹۰: ۶۸).

در واقع، تحلیل مضمون، اولین روش تحلیل کیفی است که پژوهشگران باید یاد بگیرند. این روش، مهارت‌های اساسی مورد نیاز برای بسیاری از تحلیل‌های کیفی را فراهم می‌کند. تحلیل مضمون، یکی از مهارت‌های عام و مشترک در تحلیل‌های کیفی است؛ این روش را باید روش ویژه‌ای در نظر گرفت که یکی از مزایای آن، انعطاف‌پذیری است (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۲).

تعریف تحلیل مضمون

تحلیل مضمون روشی برای شناسایی، تحلیل و گزارش الگوها و مضامین داده‌ها است. این روش داده‌ها را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. تحلیل مضمون، فرایندی برای تحلیل اطلاعات کیفی است (پراون و کلارک، ۲۰۰۶: ۷۸)؛ لذا تحلیل مضمون، صرفاً روش کیفی خاصی نیست بلکه فرایندی است که می‌تواند در بیشتر روش‌های کیفی به کار رود. به طور کلی، تحلیل مضمون، روشی است برای

الف - دیدن متن

ب - برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط

ج - تحلیل اطلاعات کیفی

د - مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ

ه - تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۳).

مقایسه روش تحلیل مضمون با سایر روشها

تحلیل مضمون را باید یک روش ویژه در نظر گرفت که یکی از مزایای آن، انعطاف‌پذیری است. به طور کلی روشهای تحلیل کیفی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: یک دسته روشهایی است که عمدتاً از یک جایگاه نظری یا معرفت‌شناسی خاصی نشأت می‌گیرد؛ مانند تحلیل گفتار و تحلیل پدیدارشناسی تفسیری که تنوع نسبتاً محدودی در چگونگی به کارگیری آنها وجود دارد. هم‌چنین برخی از این روشها مانند نظریه داده بنیاد از یک چارچوب نظری کلان بهره می‌گیرد. دسته دوم روشهایی است که اساساً مستقل از جایگاه نظری یا معرفت‌شناسی خاص، و در طیف گسترده‌ای از روشهای نظری و معرفت‌شناسی قابل استفاده است. تحلیل مضمون در این دسته جای می‌گیرد؛ بنابراین ابزار تحقیقاتی منعطف و مفیدی است که برای تحلیل حجم زیادی از داده‌های پیچیده و مفصل، می‌توان از آن استفاده کرد.

تحلیل مضمون با سایر روشهای تحلیلی، که به دنبال تشریح الگوهای داده‌های کیفی است مانند روش تحلیل گفتمان، روش تحلیل پدیدارشناسی تفسیری و نظریه داده بنیاد، فرق دارد. روش تحلیل پدیدارشناسی تفسیری و نظریه داده بنیاد هر دو به دنبال شناسایی الگوهایی در داده‌ها است که در یک چارچوب نظری قرار می‌گیرد. روش تحلیل پدیدارشناسی تفسیری با معرفت‌شناسی پدیدارشناختی مرتبط است که در آن به تجربه اهمیت داده می‌شود و به دنبال شناخت پدیده مورد بررسی از طریق درک تجربه واقعی افراد در زندگی روزمره است. اما تحلیل مضمون به طور کامل به اصول نظریه داده بنیاد (که مستلزم تحلیل به منظور رسیدن به نظریه است) پایبند نیست. در تحلیل مضمون در صورتی که پژوهشگر نخواهد به یک نظریه کامل برسد نیازی ندارد که به اصول نظریه داده بنیاد پایبند باشد. تحلیل مضمون بر خلاف سایر روشها مانند روش تحلیل پدیدارشناسی تفسیری، تئوری داده بنیاد، تحلیل گفتمان و تحلیل محتوا به یک چارچوب نظری وابسته نیست که از قبل وجود داشته باشد و لذا از آن می‌توان در چارچوبهای نظری متفاوتی استفاده کرد (البته نه در

همه چارچوبها) و هم‌چنین می‌توان از آن برای کارهای مختلف بهره گرفت (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۶ تا ۱۵۸).

تعریف مضمون

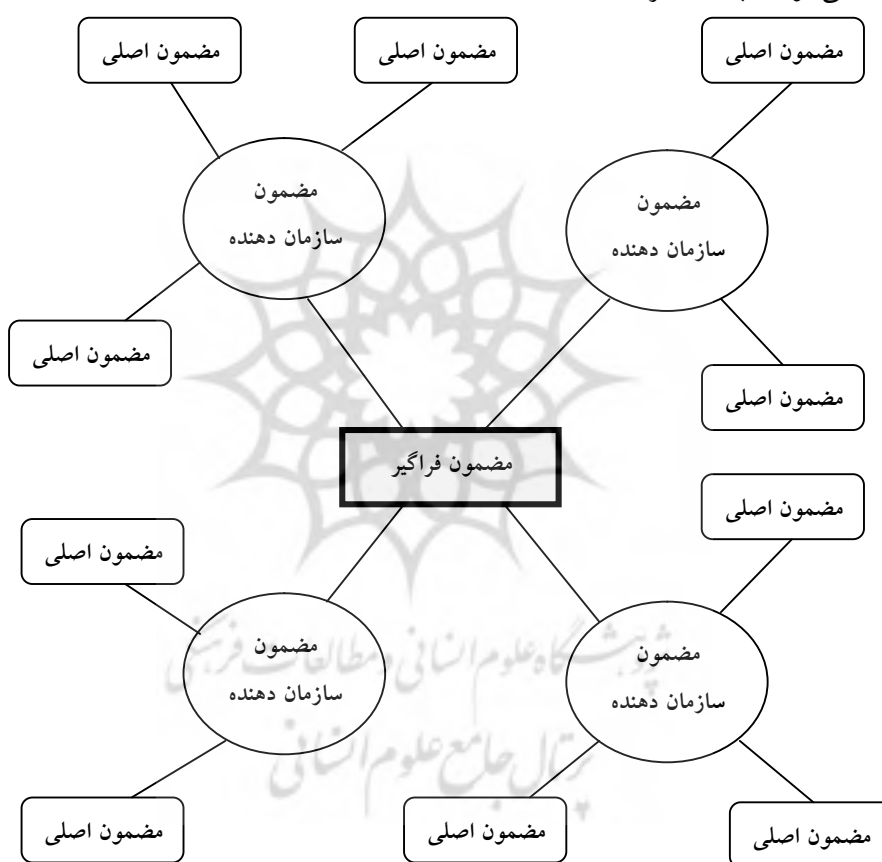
قبل از پرداختن به انواع مضمون و روش شناخت آن، باید درک درستی از معنی «مضمون» به دست آورد؛ در ادبیات روش‌شناسی، چندان به معنی این مفهوم پرداخته نشده است و غالباً از آن به مثابه الگویی یاد شده که مبین نکته جالبی درباره موضوع تحقیق است و با استفاده از شعور متعارف شناخته می‌شود (همان).

یکی از بحث‌های چالشی در تحلیل مضمون این است که مضمون چیست و چرا و چگونه در داده‌ها شناسایی می‌شود. تحلیل مضمون، فرایند کدگذاری اطلاعات کیفی است. کدگذاری به کدهای آشکار نیاز دارد. این کار ممکن است با فهرستی از مضامین، الگوی پیچیده‌ای از مضامین، شاخصها یا ویژگیهای مرتبط با هم یا چیزی مانند این دو صورت گیرد. یک سؤال مهم در رابطه با کدگذاری این است که چه چیزی مضمون یا تم به شمار می‌رود یا هر مضمونی باید چه اندازه‌ای داشته باشد. این سؤالی است که در رابطه با هر داده‌ای و یا در رابطه با کل داده‌ها مطرح می‌شود.

مضمون یا تم، بیانگر چیز مهمی در داده‌ها در مورد سؤالات تحقیق است و تا حدی معنی و مفهوم الگوی مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد. از آنجا که تحلیل مضمون، تحلیل کیفی است، پاسخ روشن و سریعی در مورد اینکه مقدار داده‌های مناسب و مورد نیاز چقدر است که بر وجود مضمون یا اطلاق آن دلالت نماید وجود ندارد. به طور آرمانی مضمون را می‌توان در چندین مورد از مجموع داده‌ها مشاهده کرد اما آنچه اهمیت دارد معنا و مفهوم مضمون است. بنابراین قضاوت پژوهشگر در رابطه با اینکه مضمون چیست، کاملاً ضروری است. پژوهشگر باید تا حدودی منعطف باشد؛ زیرا پیروی صرف از قواعد در این خصوص کاربردی ندارد ضمن اینکه هر مضمون لزوماً به معیارهای کمی بستگی ندارد بلکه به این بستگی دارد که تا چه میزان به یک چیز مهم مورد سؤال پژوهش می‌پردازد (براون و کلارک، ۲۰۰۶: ۸۲).

سرانجام شبکه مضامین بر اساس یک روش مشخص، مضامین زیر را نظام‌مند می‌کند:

الف - مضامین اصلی^۱ (کدها و نکات کلیدی متن) ب - مضامین سازمان دهنده^۲ (مقولات به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین اصلی) ج - مضامین فراگیر^۳ (مضامین عالی در برگیرنده اصول حاکم بر متن به عنوان یک کل). سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه وب رسم می‌شود که در آن مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها مانند نگاره زیر نشان داده می‌شود (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷۰).



شکل ۲: ارتباط شبکه‌ای انواع مضامین با یکدیگر

- 1 - Basic Themes
- 2 - Organizing Themes
- 3 - Global Themes

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

در این بخش بیانات مقام معظم رهبری، که برای جامعه معلمان، مسئولان آموزش و پرورش و شورای عالی انقلاب فرهنگی ایراد شده است، بررسی می‌شود. به طور قطع ایشان در بیانات دیگر خود نیز به مسئله آموزش و پرورش به صورت مستقیم و غیر مستقیم اشاراتی کرده‌اند ولی این نکته بدیهی است که مباحث اصلی ایشان را در مورد آموزش و پرورش و به طور خاص تحول نظام آموزش و پرورش، که موضوع این پژوهش است در این بیانات باید جستجو کرد.

مجموع بیانات معظم له، که مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، ۳۹ مورد بود که از میان آنها ۳۶۰ مضمون اولیه استخراج شد که به علت حجم زیاد مضامین اولیه در اینجا ذکر نشد. در مرحله بعد پس از حذف موارد تکراری و ادغام موارد مشابه این ۳۶۰ مضمون در یک دسته‌بندی در ۲۰ مضمون اصلی قرار گرفت که جدول مضامین نهایی به این شرح است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۲: مضامین اصلی و سازمان دهنده

ردیف	مضامین اصلی	مضمون سازمان دهنده
۱	معلم محوری تحول	معلم محور تحول
	خودقدردانی (شکرگزاری) معلمان	
	کار عبادت است.	
	تغییر فضای معلمان از مادی به معنوی (در رابطه با نوع تکریم و ...)	
	ایجاد و تقویت مراکز تربیت معلم	
	حاکمیت وجدان کاری	
	همراهی علم و عمل و اخلاق	
	الگوگیری مجموعه آموزش و پرورش از حوزه (بویژه معلمان از شهید مطهری)	
	نوع برخورد با فراگیران	
	ویژگیها و وظایف معلمی	
۲	تکریم معلمان (تکریم علم)	حاکمیت فضای کرامت
	کمک‌رسانی همه مردم	علم و اهل علم در جامعه
۳	دشمن شناسی فرهنگی (تهاجم فرهنگی)	تحول در نگاه به عرصه آموزش و پرورش به عنوان «حضور در میدان جهاد»
	مبارزه و جهاد فرهنگی	
۴	انسانسازی	تحول در هدف: هدف، تمدن سازی است.
	هویت سازی	
	نسل سازی	
	مسئولیت در برابر جهان اسلام	
	دید بلند داشتن	
	آینده سازی	
	جامعه اسلامی علمی	
	فرهنگ، روح یک ملت است و مایه بقای آن (برای نسل سازی و آینده سازی باید فرهنگ را درست کرد)	
	لزوم توجه به علوم پایه و علوم انسانی	

ادامه جدول شماره ۲: مضامین اصلی و سازمان دهنده

ردیف	مضامین اصلی	مضمون سازمان دهنده
۵	اهمیت تربیت و امور پرورشی	توجه جدی به تربیت (بیشتر یا برابر آموزش)
	تربیت جوانانی با ویژگیهای مطلوب	
	ویژگی خروجیها	
۶	نکات تحول: نیاز، اهداف، امکانات، دنبال کردن با قوت	نیازمحوری
	تحول نیازمحور	
	تحول ایرانی - اسلامی برخاسته از نیاز (نیازبنیان)	
۷	بکارگیری عناصر انقلابی در مدارس و دانشگاه‌ها، اگر انقلابی نبود ضد انقلاب هم نباشد.	تحول در منابع انسانی
	شجاعت در گفتار و عمل (در اسلامی کردن همه جا)	
	مسئولان قشر روی جامعه‌اند که باید خواسته‌های جامعه را منعکس کنند.	
	روحیه انقلابی، آسان کننده حل مشکلات بلندمدت (فرهنگی)	
۸	فرهنگ شاخصه هر ملت (فرهنگ اولویت اول آموزش و پرورش)	توجه جدی به فرهنگ در آموزش و پرورش
	فرهنگ مسئله اول کشور	
	فرهنگ و روح انقلابی واجبتین مسئله	
	فرهنگ اولین اولویت	
	راه حل مشکلات: علاج فرهنگی نه سیاسی و پلیسی	
	سرمایه‌گذاری در فرهنگ بویژه فرهنگ آموزشی	
	فرهنگ و علم اهمیت خاص دارد ولی ثقل اکبر فرهنگ است؛ چرا که علم تحت تأثیر فرهنگ عمومی است.	
۹	نوسازی نظام آموزش: پرهیز از حافظه‌محوری، استفاده از تجربیات و الگوهای دیگران	توجه به تقویت قوه تفکر به جای حافظه‌محوری
۱۰	مطهری اندیشی	تحول در برنامه آموزشی
	خروج قرآن از مهجوریت	
	تحول برنامه و کتابهای درسی (تحول در نوع نگاه به دروس بالانحص درس تاریخ)	
۱۱	برنامه‌ریزی گام به گام بر اساس سند	برنامه ریزی جامع و عمل بر اساس نقشه جامع
	برنامه‌ریزی دقیق بر اساس بند بند سند	
	برنامه ریزی داشتن (جهت و نقشه داشتن)	
	شرط اول تحول: نگاه کلان و نقشه جامع	

ادامه جدول شماره ۲: مضامین اصلی و سازمان دهنده

ردیف	مضامین اصلی	مضمون سازمان دهنده
۱۲	تحول حرکت ریشه‌ای است.	تحول باید بنیادین باشد
	تحول می‌خواهیم نه اصلاحات.	
	تحول بنیادین نه شکلی	
۱۳	اِبرادات وضع موجود (نقاط ضعف)	شناخت وضع موجود
	دوری از سیاست‌بازی	
۱۴	توجه به نتیجه	انجام تکلیف منتج به نتیجه
۱۵	همکاری همه جانبه تمام جامعه	مسئولیت همگانی در قبال آموزش و پرورش و در نتیجه مشارکت همگانی در آموزش و پرورش
	نقش حوزه علمیه در تعلیم و تربیت عمومی	
	کمک‌رسانی مردم، مادی و معنوی (اهمیت فضای علم)	
	صف‌آرایی دینی، اسلامی و انقلابی نهادهای فرهنگی که منظم هم باشد.	
۱۶	لزوم سند بالادستی برای تحول در نظام آموزش و پرورش	تحول بر اساس اسناد بالادستی و در صورت نیاز خلق اسناد بالادستی
	توجه به سند چشم‌انداز در تحول	
	الزامات تحول: دانستن فلسفه آموزش و پرورش، وضع کشور و نیازهای آینده	
	لزوم تدوین فلسفه آموزش و پرورش	
	تحول در تطبیق با اهداف کلان آموزش و پرورش	
نیاز به سندهای بالادستی (در زمینه‌های مختلف از جمله تعلیم و تربیت)		
۱۷	نیاز تحول به راهبردهای فرهنگی	نگاه بلندمدت به تحول
	برنامه‌ریزی بلندمدت	
	اقدام بلند مدت ولی با برنامه (برنامه‌ریزی بلند مدت)	
	وجود نقشه راه	
۱۸	سرمایه‌گذاری کلان در آموزش و پرورش	لزوم سرمایه‌گذاری همه جانبه در آموزش و پرورش (تحولی نبودن بعد مادی آموزش و پرورش)
	آموزش و پرورش تولید کننده است نه مصرف کننده.	
	هزینه های آموزش و پرورش ذخیره برای آینده است.	
	آموزش و پرورش دیربازده است ولی حیاتی.	
	سرمایه فکری گذاشتن	
	رفع مشکلات مالی در نظام اقتصادی کشور	
	اولویت فرهنگ بویژه فرهنگ آموزشی در برنامه و بودجه	
لزوم دوری معلمان از دغدغه‌های گوناگون		

ادامه جدول شماره ۲: مضامین اصلی و سازمان دهنده

ردیف	مضامین اصلی	مضمون سازمان دهنده
۱۹	نکات تحول: نیاز، اهداف، امکانات، دنبال کردن با قوت	یادگیری از دیگران با رعایت پرهیز از تقلید
	پرهیز از تقلید	
	نوسازی نظام آموزش: پرهیز از حافظه‌محوری، استفاده از تجربیات و الگوهای دیگران	
۲۰	مرکز تفکر در رابطه با نوسازی نظام آموزشی شورای عالی انقلاب فرهنگی است.	شورای عالی انقلاب فرهنگی مسئول تحول
	شورای عالی انقلاب فرهنگی متکفل کلیات نظام آموزشی کشور است.	

در این قسمت ۲۰ مضمون اصلی به ترتیب اهمیت رتبه‌بندی، و توضیح مربوط به هر یک ارائه می‌شود. البته باید توجه کرد که این اولویت‌بندی، رتبی است و نه اولویت‌بندی زمانی؛ بدین معنا که اولویت به معنای اهمیت بیشتر گزینه‌های اول نسبت به گزینه‌های بعدی است و تقدم و تأخر زمانی را مشخص نمی‌کند.

۱- معلم محور تحول: محور تحول معلم است و باید تحول حول این محور شکل بگیرد و در واقع برای ایجاد هر گونه تغییری باید ابتدا معلمان ارزش این تغییر را بپذیرند و چگونگی اجرای نقش خود را در آن بیاموزند.

۲- حاکمیت فضای کرامت علم و اهل علم در جامعه (تحول در فرهنگ جامعه نسبت به ارزش علم): برای اینکه نظام تربیت و آموزش به تحول مورد نظر رهبری دست یابد، باید ابتدا فرهنگ کرامت علم و اهل علم در آن جامعه نهادینه شود و علم‌آموزی و اهل علم دارای احترام و کرامت در جامعه باشند.

۳- تحول در نگاه به عرصه آموزش و پرورش به عنوان «حضور در میدان جهاد»: در مقطع کنونی تاریخ که جمهوری اسلامی ایران در حالت جنگ نرم با غرب و شرق قرار دارد، یکی از مهمترین عرصه‌های این جنگ فضای نظام تعلیم و تربیت است. فردی می‌تواند در این عرصه درست ایفای نقش کند که در ابتدا وجود این جنگ را درک کرده باشد و در مرحله دوم خود را در عرصه جهاد و مبارزه ببیند که این از ویژگیهای لازم و حیاتی برای تمام افراد حاضر در این عرصه است.

۴- تحول در هدف (هدف تمدن‌سازی است): نظام تربیت و آموزش کشور باید دارای اهداف بلند باشد و برای رسیدن به آنها تلاش کند. امام خامنه‌ای حفظه الله این هدف را تمدن‌سازی

می‌دانند.

۵ - توجه جدی به تربیت (بیشتر یا برابر آموزش): همواره در نظام تربیت و آموزش جمهوری اسلامی ایران کلمات تربیت و پرورش در کنار کلماتی چون تعلیم و آموزش بوده است که این خود اهمیت این عنصر را در جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد. باید دانست که بر خلاف ترکیهایی که امروزه رایج است و کلمه تربیت را بعد از تعلیم می‌آورند، تربیت مقدم بر تعلیم است و اهمیت بیشتری دارد که در تحول نظام کنونی تعلیم و تربیت باید به آن توجه کرد.

۶ - نیازمحوری: در تحول نظام تربیت و آموزش نیازمحوری مسئله مهمی است که حتماً باید در نظر گرفت و تحول بر اساس نیازهای نظام جمهوری اسلامی ایران صورت پذیرد.

۷ - تحول در منابع انسانی: اساسی‌ترین محور در نظام تربیت و آموزش منابع انسانی آن است که باید دارای روح انقلابی باشند.

۸ - توجه جدی به فرهنگ در آموزش و پرورش: اهمیت فرهنگ از علم نیز بیشتر است؛ چرا که علم نیز تحت تأثیر فرهنگ است. از طرفی در عصر کنونی راه حل مشکلات جمهوری اسلامی ایران علاج فرهنگی است؛ از این رو در نظام تربیت و آموزش باید نسبت به فرهنگ توجه و همت جدی به کار برد.

۹ - تفکر محوری جایگزین حافظه‌محوری: یکی از اشکالات اساسی نظام تربیت و آموزش رسمی کشور تقلیدی بودن و کهنه بودنش است که در آن حافظه‌محوری حاکم است در حالی که پرورش قوه تفکر نسبت به حافظه اهمیت بیشتر دارد.

۱۰ - تحول در برنامه آموزشی: در زمینه کتابهای درسی و برنامه آموزشی نظام تربیت و آموزش کشور باید تحول بنیادینی شکل بگیرد که در این میان توجه به خروج قرآن از مهجوریت در برنامه آموزشی، مطهری اندیشی و توجه جدی به دروسی مثل تاریخ و محتوای این دروس اهمیت ویژه می‌یابد.

۱۱ - برنامه ریزی جامع و عمل بر اساس نقشه جامع: از جمله مسائل مهم در «تحول بنیادین آموزش و پرورش» داشتن نگاه کلان، نقشه جامع و برنامه ریزی و عمل بر اساس آن است که مورد تأکید امام خامنه‌ای است.

۱۲ - تحول باید بنیادین باشد: نکته مهمی که در تحول باید مد نظر قرار گیرد، بنیادین بودن آن است که نباید سطحی و یا در حد اصلاحات صورت پذیرد بلکه باید تحول، بنیادین و ریشه‌ای هم

باشد.

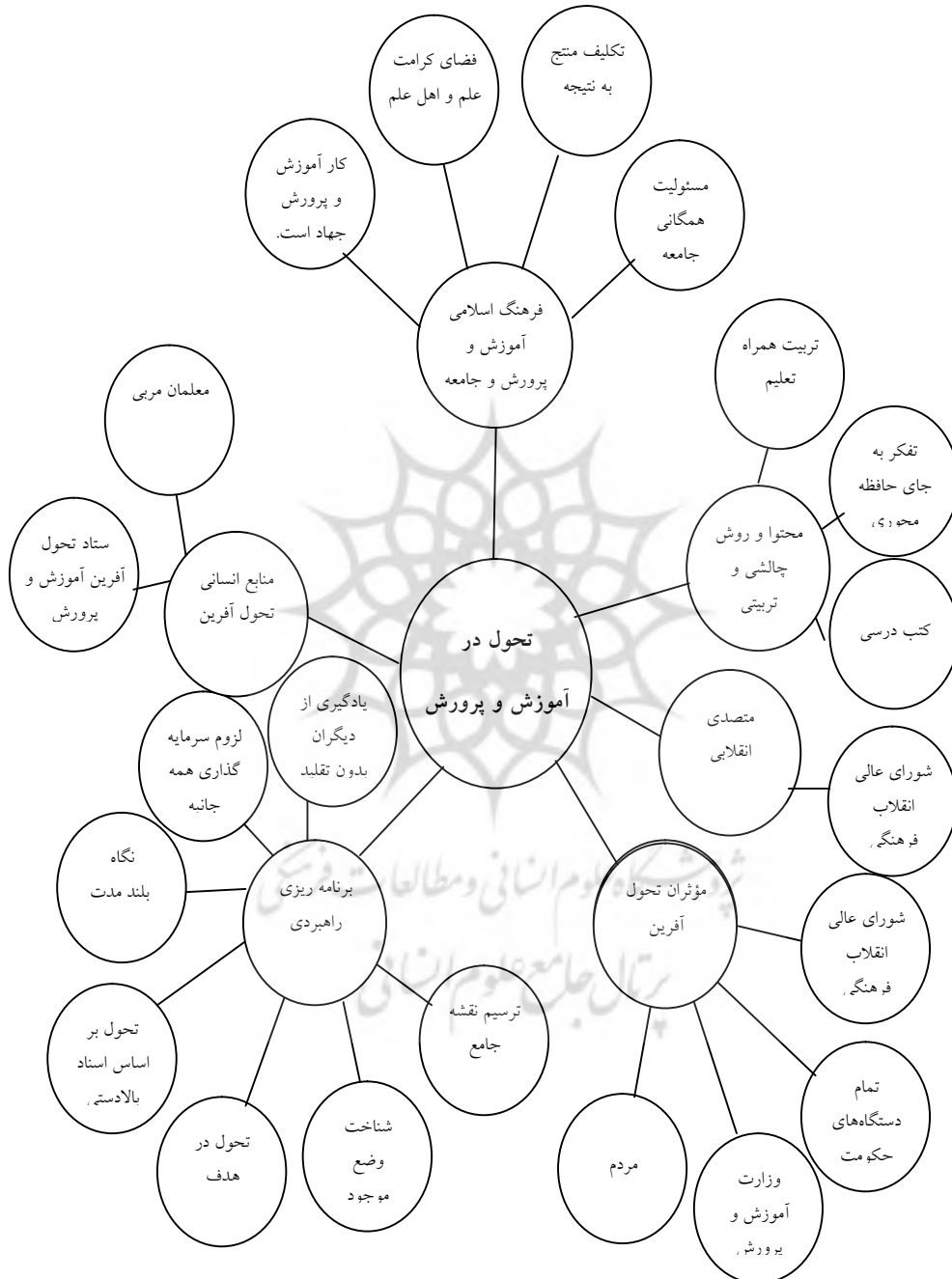
- ۱۳ - شناخت وضع موجود: لازمه ایجاد تحول شناخت وضع موجود و خصوصاً نقاط ضعف آن است و در این میان باید به دور از سیاست‌بازی به شناخت وضع موجود پرداخت.
- ۱۴ - ادای تکلیف منتج به نتیجه: در تحول نظام تربیت و آموزش باید به این نکته نیز توجه کرد که در این تحول به دنبال نتیجه هستیم و باید به نتیجه کارها توجه جدی شود.
- ۱۵ - مسئولیت همگانی در برابر آموزش و پرورش و در نتیجه مشارکت همگانی در آموزش و پرورش: باید تمامی مردم و تمامی دستگاه‌های دولتی و غیر دولتی خود را در برابر نظام تربیت و آموزش جامعه مسئول بدانند و در راستای بهبود آن فعالیت کنند.
- ۱۶ - تحول بر اساس اسناد بالادستی: در تحول نظام تربیت و آموزش باید به اسناد بالادستی توجه کرد و بر اساس آنها برنامه‌ریزیها صورت پذیرد و اگر در جایی سند بالادستی مناسب نیست، باید به ایجاد آن مبادرت کرد.
- ۱۷ - نگاه بلندمدت به تحول: در زمینه تحول نظام تربیت و آموزش باید نگاه بلندمدت داشت و در این راه به راهبردنگران فرهنگی نیاز داریم که با دید راهبردی و بلندمدت به حوزه فرهنگ و تربیت و آموزش نگاه کنند.
- ۱۸ - لزوم سرمایه‌گذاری همه‌جانبه در آموزش و پرورش: برای رشد نظام تربیت و آموزش باید نوع نگاه به آن از مصرف‌کننده به تولیدکننده تغییر کند. باید توجه کرد که هزینه‌های آن ذخیره‌ای برای آینده کشور است و این نظام به‌رغم دیربازده بودنش حیاتی است و باید همه‌جانبه در آن سرمایه‌گذاری کرد.
- ۱۹ - یادگیری از دیگران با رعایت پرهیز از تقلید: در زمینه تربیت و آموزش و تحول آن یادگیری از دیگران و تجربیات دیگر کشورها می‌تواند کمک بسیار خوبی باشد به شرط اینکه مقهور تجربه دیگر کشورها، و دچار تقلید نشویم.
- ۲۰ - شورای عالی انقلاب فرهنگی مسئول تحول: مرکز تفکر در زمینه نوسازی نظام آموزشی شورای عالی انقلاب فرهنگی است و در واقع شورای عالی انقلاب فرهنگی متکفل کلیات نظام آموزشی کشور است.

نتیجه گیری

پس از تحلیل مضمون بیانات مقام معظم رهبری در جمع مسئولان آموزش و پرورش، معلمان، انجمنهای دانش آموزی و شورای عالی انقلاب فرهنگی ۲۰ مضمون اصلی به دست آمد و این ۲۰ مضمون نیز در شش مضمون سازمان دهنده که به ترتیب اولویت عبارت است از: منابع انسانی، فرهنگ اسلامی آموزش و پرورش و جامعه، برنامه ریزی راهبردی، موثران تحول آفرین، محتوا و روش چالشی و تربیتی و متصدی انقلابی به شکل شبکه مفهومی سازماندهی شد و به نمایش درآمد.

در ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور و بویژه در سیاستگذاری کلان این مجموعه باید به مضامین مورد توجه در کلام مقام عظمای ولایت توجه شود. این مضامین، که این پژوهش را نیز گامی در راستای استخراج آنها بود مورد توجه جدی خود قرار دهد. هم چنین باید به این نکته توجه کرد که دلایل اصلی تحول حاضر تقلیدی بودن و کهنه بودن نظام آموزش و پرورش فعلی است و نباید در تحول این نظام دوباره گرفتار تقلید و کهنگی شویم. نکته پایانی اینکه در نظام آموزش و پرورش رسمی نیازمند تحول و انقلاب هستیم نه تغییر و یا اصلاح. در نهایت تمامی مضامین را در الگوی مفهومی ذیل می توان به نمایش گذاشت:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل شماره ۳: الگوی مفهومی تحقیق

منابع فارسی

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۸۵). آموزش و پرورش در ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- خنیفر، حسین؛ رحمتی، محمد حسین؛ رستمی پور، علی (۱۳۸۹). مبانی تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش مبتنی بر دیدگاه حضرت امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای مدظله العالی و صاحب نظران تعلیم و تربیت در ایران. تهران: انتشارات نورالثقلین.
- دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی؛ آذر، عادل (۱۳۸۳). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: انتشارات نشر صفار.
- رضازاده، علیرضا؛ نجفی اسدالهی، فرشاد (۱۳۹۰). اصول و مبانی روش تحقیق و آمار در علوم انسانی. تهران: انتشارات فرهیختگان دانشگاه.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: انتشارات آگاه.
- شفیلد، هری (۱۳۷۵). ترجمه غلامعلی سرمد. کلیات فلسفه آموزش و پرورش. تهران: انتشارات نشر قطره.
- صفوی، امان الله (۱۳۸۳). تاریخ آموزش و پرورش ایران از ایران باستان تا ۱۳۸۰ هجری شمسی با تأکید بر دوره معاصر همراه با معرفی کلیه وزرای علوم، معارف، فرهنگ و آموزش و پرورش. تهران: انتشارات رشد.
- عابدی جعفری، حسن و همکاران (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. دو فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی. س پنجم. ش دوم. پاییز و زمستان ۱۳۹۰: ۱۵۱ تا ۱۹۸.
- علاقه‌بند، علی (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. تهران: انتشارات بعثت.
- فقیهی، ابوالحسن؛ دانایی فرد، حسن (۱۳۸۴). بوروکراسی و توسعه در ایران. تهران: انتشارات رسا.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- کانل، و.ف (۱۳۶۸). ترجمه حسن افشار. تاریخ آموزش و پرورش در قرن بیستم. تهران: انتشارات نشر مرکز.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی ضد روش. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). آینده انقلاب اسلامی. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). مجموعه آثار. ج ۲۱. تهران: صدرا.
- ناجی، محمدرضا (۱۳۸۷). اصطلاح نامه نظام آموزشی در فرهنگ و تمدن اسلام و ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

نوید، مهدی (۱۳۷۴). مشارکت نهادهای اجتماعی در آموزش عمومی. تهران: اداره کل آموزش و پرورش استان تهران.

سایت حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری Khamenei.ir

منابع انگلیسی

- Education Transformation Office (ETO) (2012).
- Greger, David and Eliška Walterova, 2007, In Pursuit Of Educational Change: The Transformation Of Education In The Czech Republic, publisher: The Transformation of Educational Systems in the Visegrad Countries: Introduction to the Content of Comparative Research
- National Higher Education Action Plan 2007-2010
- Shafritz, Jay M & Christopher P. Borick (2008). Introducing public policy, publisher: Pearson education.
- Success story, Intel Education, India, 2010, India's Students Benefit from Education Transformation
- The Cisco Connected Insight Series' Transforming Education, Transforming Lives: A Path Toward Next Generation Learning, 2011
- U.S. Department of Education Office of Educational Technology, (2010). Transforming American Education Learning (Powered by Technology)

